

بازنگاهی به مفهوم تروریسم از منظر حقوق بین الملل و اسلام

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

زکيه فلاح

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

در ادبیات سیاسی روابط بین الملل، تروریسم به اعمال و اقدامات خشونت آمیزی اطلاق می گردد که جهت نیل به مقاصد سیاسی با هدف از میان برداشتن رقیب به کار می رود. نکته ای که مورد تأکید قرار می گیرد این است که تروریسم همواره با نقض حقوق بشر همراه است. تروریسم، معارض با اصول قانون، نظم، ثبات و امنیت جوامع انسانی، اصول کرامت و حقوق بشر، اصل حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی و عدم استفاده از زور و خشونت محسوب می شود. از منظر اسلام نیز انسان دارای کرامت ذاتی است و خون او محترم شمرده می شود. در روایات اسلامی، ترور به عنوان نشانه ای از علائم آخر الزمان و ظهور ولی عصر (عج)، مخالف ایمان و اسلام ذکر شده و امری ناپسند و مردود است. اسلام با کشتن پنهانی افراد که مشخصه اصلی ترور است، مخالف است. از این منظر، اقدام خشونت آمیز تحت هر عنوانی اعم از جنگ و ترور و فتک و غیله و محاربه که برهم زننده امنیت و نظم عمومی باشد، مخالف صلح و سازش و منشأ هلاکت است. اما اینکه تروریسم چیست و در حقوق بین الملل و اسلام چگونه توصیف می شود و رویکرد سازمان های مدافع حقوق بشر در مواجهه با این پدیده چگونه است، از جمله مسائل پرتنش در جامعه بین المللی کنونی است که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: تروریسم، خشونت، حقوق بین الملل، اسلام

مقدمه

اسلام دین صلح و سازش است. در آیات و روایات بسیاری به این مهم اشاره شده و مرتکبین جرائم اخلال در نظم و امنیت عمومی را مورد نکوهش قرار داده است. از نظر اسلام انسان دارای کرامت ذاتی است و خون او محترم شمرده می شود مگر آن که افرادی با اختیار، حرمت خود را شکسته، خون خود را مباح سازند. وجوب نگه داشتن حرمت انسان، کلی است و نهی از شکستن آن شامل ترور و غیر آن مانند قتل آشکار و ناحق، شکنجه و اذیت و آزار انسان ها به هر شکل ممکن می شود. بر اساس حقوق بین الملل نیز شناسایی حیثیت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و سلب ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است. (بند ۱ مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر) توسل به خشونت و ترور از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است. لذا حقوق بشر و صلح و امنیت بین المللی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. هرگونه توسل به زور علیه مواضع واقع در قلمرو سرزمینی سایر کشورها، اصولاً مغایر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است. از این رو اقدامی نامشروع خواهد بود مگر آن که چنین حمله ای همه شرایط مربوط به دفاع مشروع مقرر در ماده ۵۱ منشور را داشته باشد. اما به هر حال پدیده خشونت آمیز تروریسم از دوران کهن و متناسب با نظام های سیاسی حاکم بر جوامع، از نظام های سیاسی سنتی گرفته تا دوران مدرن وجود داشته و به عنوان اقدامی مجرمانه از نوع جنایت، در جهان در حال گسترش است. از این رو شایسته است که مفهوم این پدیده به درستی روشن شده و تمایز آن با نهادهای مشابه بررسی شود. این نوشتار در صدد تبیین موضوع و بررسی «تروریسم» از منظر حقوق بین الملل و اسلام است تا ضمن مقایسه این پدیده در حقوق بین الملل و اسلام، راه کارهای ضروری جهت پیشگیری و مبارزه با آن اندیشیده شود. با این امید که گامی هرچند اندک در جهت مهار و نابودی این معضل فراگیر و مخرب برداشته شود.

بخش اول: مفهوم شناسی تروریسم

واژه تروریسم از ریشه ترور (TERROR) به معنای ترس، وحشت و هراس است. در ترمینولوژی حقوق ذیل واژه ترور چنین آمده: «ترور در لغت وحشت و ترس است و اصطلاحاً قتل سیاسی است با سلاح. فاعل این عمل را تروریست گویند.» و در تعریف عنوان تروریسم می‌گوید: «تروریسم عبارتست از کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در مردم و یا در اصناف و طبقات خاص و یا در عموم خلق.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸) در فرهنگ آکسفورد، تروریسم این گونه معنا شده است: «توسل به خشونت در جهت اهداف سیاسی، یا اجبار حکومت به انجام یا ترک فعلی به این وسیله که در بین مردم تولید وحشت کند.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ص ۵ و ۶) دانشنامه بریتانیکا، تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی.»

بخش دوم: تاریخ اصطلاح تروریسم و تلاش برای ارائه تعریف آن

ریشه لغوی ترور از واژه یونانی TRAS به معنی ترس و لرز گرفته شده و فعل TRES در زبان لاتینی نیز به همین معنا آمده است و واژه «ترسیدن» در زبان فارسی به همان مفهوم به کار می‌رود. در زبان عربی واژه ارهاب از فعل رهب به معنی ترسانیدن کاربرد دارد. در مورد تاریخچه واژه تروریسم، آن گونه که فرهنگ آکسفورد بیان می‌کند، این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی در توصیف حکومت ترس و وحشت که در فرانسه در فاصله انقلاب سال‌های ۱۷۸۹ - ۹۴ حاکم بود، به کار رفت. در سطح حقوق بین‌الملل، اصطلاح تروریسم برای نخستین بار در جریان مباحثات و گفت‌وگوهای کنفرانس «یکسان‌سازی قوانین جزایی» که در سال ۱۹۳۰ در وارسوای لهستان برگزار شد، به حوزه مباحث حقوقی و قانونی راه یافت. پیش از آن نیز کمیسیونی که برای بررسی موضوع مسئولیت مرتکبان جرائم جنگی، پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ در ورسای تشکیل شده بود، به مسئله تروریسم پرداخته و «تروریسم سازمان‌یافته» را به عنوان یکی از جرائم بزرگ جنگی، پس از جرم قتل عمد و در مرتبه دوم جای داده بود (تهامی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). تروریسم از واژه‌های مهم در عرصه

بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن، تعریف و تحدید قلمرو این پدیده به نحوی که در سطح جهانی پذیرفته باشد با دشواری‌های بسیار روبه‌روست. و این مسئله که ناشی از تفاوت عوامل، انگیزه‌ها و اهداف اعمال تروریستی است، در این جمله معروف به خوبی نمایان‌گر است: «آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود، از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است.» شایان ذکر است که تاکنون هیچ تعریف قانونی یا سیاسی و جهانی واحد، روشن و دقیقی از تروریسم به دست نیامده است؛ در نتیجه هر گروه یا هر دولتی می‌تواند آن را بر حسب نگرش خود و طبق مصالح و منافع خاص خود تعریف کند. با این همه، هیچ کس منکر وجود تروریسم و خطری نیست که از سوی آن متوجه تمامی جهان شده است و اختلاف بر سر معنی و مفهوم این نهاد، تأثیری در نگرانی عمومی از گسترش آن ندارد.

بخش سوم: تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل

از جنبه بین‌الملل، ابتدا باید دید ارکان و نهادهای ملل متحد در طی نیم قرن مبارزه با تروریسم چگونه عمل کرده‌اند و در تدوین قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی چه نکاتی از آن را مورد توجه قرار داده‌اند. در ادامه به بررسی اجمالی سیزده کنوانسیون بین‌المللی ضد تروریسم ذیل چهار عنوان می‌پردازیم:

بند اول: تروریسم علیه امنیت هواپیمایی

تاکنون پنج کنوانسیون بین‌المللی به مقابله با جرائم ارتكابی و اقدامات غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی قرار دارند، اختصاص یافته است:

- کنوانسیون راجع به جرائم و دیگر اعمال ارتكابی در هواپیما (توکیو- ۱۹۶۳/۰۹/۱۴)

- کنوانسیون مقابله با تصرف غیر قانونی هواپیما (لا‌هه - ۱۹۷۰/۱۲/۱۶)

- کنوانسیون مقابله با اعمال غیر قانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری (مونترال - ۱۹۷۱/۰۹/۲۳)
- پروتکل مقابله با اقدامات غیر قانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی کشوری بین‌المللی هستند (مونترال - ۱۹۸۸/۱۲/۱۰)
- کنوانسیون علامت‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی آنها (مونترال - ۱۹۹۱)

بند دوم: تروریسم علیه امنیت شخصی

دو سند دیگر مربوط به پیش‌گیری و مجازات مرتکبین جرایمی که علیه اشخاصی که از مصونیت بین‌المللی برخوردارند، از جمله دیپلمات‌ها صورت می‌گیرد (نیویورک ۱۹۷۳) و مقابله با گروگان‌گیری (نیویورک ۱۹۷۹) می‌باشد.

بند سوم: تروریسم علیه امنیت دریانوردی و تأسیسات دریایی

دو سند در رابطه با مقابله با اعمال غیر قانونی علیه ایمنی دریانوردی (رم ۱۹۸۸) و مقابله با اعمال غیر قانونی علیه ایمنی سکوها‌ی ثابت واقع در فلات قاره (رم ۱۹۸۸) است.

بند چهارم: تروریسم هسته‌ای، بمب‌گذاری و تأمین مالی

سه سند دیگر مربوط به حفاظت فیزیکی از مواد اتمی (وین ۱۹۸۰)، مقابله با بمب‌گذاری (نیویورک ۱۹۹۷) و تأمین مالی تروریسم (نیویورک ۱۹۹۹) است. به این مجموعه باید کنوانسیون‌های منطقه‌ای مقابله با تروریسم و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و شورای امنیت در این خصوص را نیز اضافه نمود. مهم‌ترین کنوانسیون‌های منطقه‌ای مقابله با تروریسم عبارتند از: کنوانسیون سازمان دولت‌های آمریکایی (QAS) برای پیشگیری و مجازات اعمال تروریستی (واشنگتن - ۱۹۷۱)، کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم (استراسبورگ - ۱۹۷۷)،

کنوانسیون منطقه‌ای سارک (SAARC) برای مقابله با تروریسم (کاتماندو - ۱۹۸۷)، کنوانسیون اتحادیه عرب برای مقابله با تروریسم (قاهره - ۱۹۹۸)، کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم (بورکینافاسو - ۱۹۹۹)، معاهده همکاری بین دولت‌های عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع جهت مبارزه با تروریسم (۲۰۰۰)، کنوانسیون همکاری وحدت افریقا جهت پیشگیری و مبارزه با تروریسم (۲۰۰۰). (دیهم، ۱۳۸۱، ص ۸۵ - ۹۷) هرچند به دلایلی که ذکر شد تعریف جامعی از تروریسم به دست نیامده، ولی عناصر و شرایطی برای تحقق یک عمل تروریستی مورد شناسایی و تصدیق قرار گرفته است که عبارتند از:

۱. کاربرد نوع خاصی از خشونت که موجب مرگ یا حداقل جراحات و صدمات فیزیکی شدید شود.

۲. یک عمل سازمان‌یافته در قالب اقدام شخصی یا دسته‌جمعی با طرح‌های هماهنگ شده به منظور دستیابی به اهدافی خاص.

۳. تعقیب اهدافی به منظور ایجاد رعب و وحشت بین افراد، گروه‌ها یا به طور کلی عموم مردم.

۴. اهداف سیاسی تروریسم

۵. حال بودن خشونت یا تهدید؛ لذا تظاهرات و تقاضا برای ایجاد تغییرات در آینده در یک کشور، تروریسم به حساب نمی‌آید.

بخش چهارم: انواع تروریسم

تروریسم گاهی داخلی است و گاهی بین‌المللی؛ تروریسم داخلی، عمل تروریستی است که بدون دخالت عنصر خارجی و صرفاً در ارتباط با یک کشور به وقوع می‌پیوندد و در مقابل، تروریسم بین‌المللی هنگامی وقوع می‌یابد که در جرم عنصر خارجی یافت شود. از منظر دیگر،

تروریسم گاهی دولتی است و گاهی غیردولتی؛ در تروریسم دولتی، حمایت و پشتیبانی دولت از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در ورای مرزها دیده می‌شود.

بخش پنجم: تروریسم از منظر اسلام

کشورهای اسلامی نیز همانند دیگر کشورها تلاش کرده‌اند تا تعریفی از تروریسم ارائه دهند. طبق تعریف «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم»، تروریسم شامل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده‌ای است که صرف نظر از مقاصد یا انگیزه‌های مرتکبین آن، به منظور اجرای یک طرح جنایت کارانه فردی یا گروهی و با هدف ایجاد رعب و وحشت بین مردم یا تهدید آنان به وارد آوردن صدمه به آنان، یا تهدید به صدمه زدن به محیط زیست یا هرگونه تسهیلات یا اموال عمومی یا خصوصی، به منظور به مخاطره انداختن، اشغال یا تصرف آن‌ها و به خطر انداختن یکی از منابع ملی یا تأسیسات بین‌المللی، یا تهدید کردن ثبات، تمامیت ارضی، وحدت سیاسی یا حاکمیت کشورهای مستقل انجام گیرد. (فوزی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱) به هر حال چنانچه اشاره شد، هنوز تعریف جامع و مانعی از واژه تروریسم ارائه نشده است تا بتوان آن را با مفاهیم فقهی انطباق کامل داد؛ اما با توجه به تعاریف موجود، می‌توان به مفاهیم مشابهی در زبان عربی چون فتک، اغتیل، محاربه و ارباب اشاره نمود.

بند اول: نهادهای مشابه

الف) فتک

در لغت‌نامه دهخدا، فتک به معنای به ناگاه گرفتن، ناگاه کسی را کشتن و یا کشتن غافلگیرانه مقتول آمده است. در فرهنگ اصطلاحات معاصر، این واژه به معنی ترور کرد، کشت، از میان برد و به قتل رساند است (میرزایی، ۱۳۷۶، ذیل کلمه فتک). در قرآن کریم، واژه فتک به کار نرفته اما در سنت روایاتی در مورد حرمت فتک ذکر شده است. برای نمونه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: وقتی در معراج بودم، مواردی را دیدم. پرسیدم این‌ها چیست؟

گفتند این ها نشانه های آخر الزمان است. پرسیدم: چه زمانی آخر الزمان است؟ خداوند عزوجل فرمود: «یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراء و قلّ العمل و کثر الفتک و...» (مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۷۶). یعنی آخر الزمان وقتی است که علم محو شود و جهل ظاهر گردد، قاریان قرآن زیاد شوند و عمل کاهش یابد، فتک بالا رود و ... در روایتی دیگر از پیامبر (ص) نقل شده است: «إنّ الايمان قيّد الفتک و لايفتک المؤمن» (مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۴۴) یعنی ایمان مانع فتک است و آن را مقید می کند و اجازه نمی دهد به صورت پنهان کسی را به قتل رساند. در روایتی آمده است که ابوصباح کنانی به امام صادق (ع) عرض کرد: همسایه ای داریم که وقتی فضایل حضرت علی (ع) را یادآور می شویم، نسبت به ایشان ناسزا می گوید. به خدا قسم اگر اجازه دهید در کمین وی می نشینم و با شمشیر او را می کشم. حضرت در پاسخ فرمودند: «یا ابا الصباح، هذا الفتک، فقد نهی رسول الله (ص) عن الفتک. یا ابا الصباح، إنّ الاسلام قيّد الفتک» (کلینی، ج ۷، ص ۳۷۵) ای ابا صباح! این عمل فتک است و رسول خدا (ص) از فتک نهی فرمودند. ای اباصباح! اسلام فتک را منع کرده است. فتک با ترور تفاوت دارد؛ طبق اصطلاح متداول، ترور به قتل های سیاسی و مسلحانه اختصاص دارد اما فتک اعم از قتل های سیاسی و غیرسیاسی، با سلاح و بدون سلاح است و در معنای آن فریب و غیله دخالت دارد.

ب) اغتال

لغت نامه المنجد غیله را فریب دادن و به ناگاه کشتن معنا کرده است. در لغت نامه دهخدا، به ناگاه کشتن، با خدعه کشتن، فریب دادن و به خلوت بردن و سپس کشتن از معانی اغتال است. امام علی (ع) در فرمانش به مالک اشتر نوشت: «ثم اکثر تعاهد قضائه و افسح له فی البذل ما یزیل علته و تقل معه حاجته الی الناس و اعطه من المنزلة لدیک ما لا یطمع فیہ غیره من خاصیتک لیأمن بذلک اغتال الرجال له عندک» (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۰). یعنی پس از انتخاب قاضی، هرچه بیش تر در قضاوت های او بیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهایش برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که

نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه (وغافلگیر کردن) آنان در نزد تو در امان باشد. اغتیال و ترور، مفهومی واحد نیستند؛ اغتیال به معنای یورش و حمله و صدمه زدن به جان انسان‌ها به طور مخفیانه است و در آن ایجاد رعب و وحشت و برهم زدن نظم عمومی و اهداف سیاسی که از عناصر ترور است، مورد توجه نیست.

ج) محاربه

در قرآن کریم واژه حرب و محاربه به معانی مختلف به کار رفته است که یکی از معانی آن جنگ و ستیز کردن است که موضوع بحث حاضر است. در تعریف محارب می‌توان گفت محارب کسی است که با کشیدن اسلحه قصد ترساندن مردم را داشته باشد و امنیت عمومی را برهم زند. توجه به تعریف محارب که بیان دیگر آن مفسد فی الارض است با عطف به شرط آن، روشن می‌سازد که ترور قابل اطلاق بر آن است. احکام چهارگانه‌ای که در آیه ۳۳ سوره مائده برای محاربین در نظر گرفته شده، نمایان‌گر این است که مراد از آن هر جنگی نیست؛ زیرا این گونه نبود که پیامبر (ص) پس از جنگ با کفار، آنان را بکشد یا به دار آویزد یا قطع من خلاف و یا نفی بلد کند. بنابراین محاربه در این آیه شریفه معنای حصر جنگ و کارزار نیست. ترور، محاربه نیست؛ چراکه محاربه، شامل سرقت هم می‌شود. بنابراین محاربه، معنای اعمی است از ترور، فتک، سرقت، ایجاد ناامنی و

د) ارهاب

در کتاب فرهنگ اصطلاحات معاصر، ارهاب به معنای ترساندن، ایجاد ترس و وحشت، تهدید نمودن، ترور، هشدار مسلحانه، خشونت، ارعاب و تروریسم به کار رفته است. و نیز ارهاب دولی به تروریسم دولتی یا بین المللی، ارهابی به تروریست و شبکه ارهاب به باند ترور و شبکه ترور ترجمه می‌شود (میرزایی، ۱۳۷۶، ذیل کلمه ارهاب). البته باید توجه داشت واژه ارهاب در ادبیات قدیم و در قرآن کریم به این معنی به کار نرفته، ولی در دوره معاصر به معنای ترور کاربرد دارد.

بند دوم: مبانی محکومیت تروریسم در اسلام

اسلام به معنای صلح، مسالمت، سازش و ایجاد الفت است. و حفظ صلح و امنیت، یکی از اصول مسلم در اسلام است و اصولاً هرکس با صلح و امنیت و سازش مخالف باشد از نظر اسلام محکوم است. در قرآن کریم واژه سلم و صلح در بیش از صد آیه آمده، در حالی که واژه جنگ تنها در شش آیه به کار رفته است. این نشان می دهد اساس دیدگاه اسلام بر اصالت صلح به عنوان قاعده قرار دارد و جنگ و جهاد، استثنایی بر این قاعده محسوب می شود.

الف) نمونه هایی از نفی ترور در اسلام

از مهم ترین دلایل محکومیت تروریسم از دیدگاه اسلام، آیه ۳۲ سوره مائده است که می فرماید: «من قتل نفساً بغير نفسٍ أو فساد فی الأرض فکأنما قتل الناس جميعاً» این آیه شریفه علاوه بر بیان یک ضابطه و قاعده، یک مبانی فقهی را نیز مشخص می کند و آن این که در ادیان الهی از جمله اسلام، قتل نفس تنها به دو دلیل مجاز است: یکی در قصاص و دیگری به عنوان مجازات افساد فی الارض. البته فساد در این آیه به معنای عام بوده و تنها به معنای اخص آن یعنی محارب نیست. در غیر این صورت قتل نفس نه تنها جایز نیست بلکه معادل با قتل همه نفوس و همه مردم است. در تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی نیز نمونه هایی از نفی ترور وجود دارد که به دو مورد اشاره می شود:

- مسلم بن عقیل از ترور عبیدالله بن زیاد خودداری کرد؛ به پیشنهاد شریک، تصمیم بر آن شد که مسلم پشت پرده کمین کند و با علامتی بیرون آمده و ابن زیاد را به قتل برساند. ابن زیاد آمد ولی مسلم با علامت شریک بیرون نیامد تا این که ابن زیاد مجلس را ترک کرد. از مسلم پرسیدند چرا نقشه را عملی نکردی؟ گفت به خاطر سخنی که علی (ع) از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده که ایمان، مانع کشتن غافلگیرانه (ترور) است (محدثی، ۱۳۷۵، ص ۲۵).

- جمعیت مؤتلفه اسلامی برای کسب جواز ترور حسنعلی منصور، نخست از حضرت امام (ره) درخواست کرد که این مجوز را صادر کنند، ولی ایشان از این کار استنکاف ورزیدند

(موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). ایشان خط مشی مسلحانه را نفی می‌کردند؛ یعنی به عنوان استراتژی، کار مسلحانه را نمی‌پذیرفتند. همان‌گونه که بیان شد ترور اقدامی ترس‌آفرین، وحشت‌آمیز، غیرقانونی، غافلگیرانه و پنهانی است که با کشتن افراد و تخریب اماکن به کمک ابزار خشن صورت می‌گیرد. در سیره پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع)، نمونه‌هایی از کشتن افراد دیده می‌شود. افرادی که به دشمنان مسلمانان مدد رساندند، امنیت عمومی را سلب کردند، بدعت‌آور، فریب‌کار، غارت‌گر، جاعل احادیث، شرور، گمراه‌کننده مردم و ... بودند. روشن است که فرمان پیامبر (ص) و ائمه (ع) برای کشتن این افراد، معنا و مفهوم ترور را ندارد؛ چراکه ترور مخفیانه صورت می‌گیرد، وحشت‌زاست و ترور شونده بدون محاکمه به قتل می‌رسد، پیامبر و ائمه (ع) در مقام قضاوت، آشکارا دستور کشتن اینان را صادر می‌کردند و با این اقدامات، آرامش را به جامعه اسلامی باز می‌گرداندند.

ب) محکومیت ترور بر اساس حکم عقل

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، محکومیت ترور بر اساس حکم عقل است؛ بدین معنا که افعال انسان‌ها دارای ارزش ذاتی است و احکام شریعت بر مبنای پیروی از ارزش‌های ذاتی تشریع می‌شود. یعنی هرآنچه را که عقلا و فرهیختگان جوامع بشری نیکو بیندارند، شریعت نیز آن را واجب می‌داند و هرآنچه را که عقلا ناپسند بیندارند، شریعت نیز آن را حرام می‌داند. مسئله ترور و تروریسم نیز نزد عقلای تمام جوامع به عنوان امری ناپسند مطرح می‌شود و صرف نظر از کلیه شرایع، در دید همه جوامع بشری، امری قبیح و مردود است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به مطالب بیان شده، روشن شد تروریسم پدیده‌ای خشونت‌آمیز، غیرقانونی، رعب‌انگیز و غافلگیرانه است که از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، امری مذموم و ممنوع به شمار می‌رود و در حال حاضر به دلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی خاص حاکم بر

جهان، وضعیت خطرناکی را به وجود آورده و اقدام فوری جهت کنترل و مهار آن ضروری به نظر می‌رسد. در طول سال‌های اخیر، حقوق بین‌الملل پیشرفت چشم‌گیری در مبارزه با این پدیده بین‌المللی داشته و کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و بیانیه‌های بسیاری در این راستا به وجود آمده است. با این وجود، اجرای این قوانین و مقررات، به اراده دولت‌ها بستگی دارد؛ لازم است تدابیر جدیدی در نظام‌های حقوقی داخلی کشورها اندیشیده شود و زیرساخت‌های حقوقی مناسب جهت پیش‌گیری و مبارزه با اعمال تروریستی ایجاد شود. به نظر می‌رسد مسئله‌ای که در بدو امر باید بدان پرداخته شود، ارائه تعریفی روشن، دقیق، جامع و مانع از پدیده تروریسم است؛ عناصری وجود دارد که تروریسم را از دیگر انواع خشونت متمایز می‌سازد که عبارتند از: عمل سازمان‌یافته با اهداف سیاسی، ایجاد رعب و وحشت و ایراد صدمه به جان و سلامتی افراد که این عوامل باید به درستی شناسایی شوند. پس از ارائه تعریفی جامع، بازنگری و تشدید مجازات در قوانین و مقررات کیفری به منظور اثربخشی راه کارهای مبارزه با تروریسم امری لازم است و باید در دستور کار قرار گیرد. باید توجه داشت تروریسم پدیده‌ای جهانی است و رویارویی با آن نیز مستلزم تصمیم‌گیری و عمل مشترک جامعه بین‌المللی است و هیچ کشوری نمی‌تواند با اقدامات یک‌جانبه این مشکل را حل نماید. بنابراین تعامل و توسعه هم‌کاری‌های سیاسی - حقوقی میان همه کشورها (یکپوخت‌سازی نظام‌های حقوقی) برای مقابله با جرائم تروریستی مانند قاچاق و ترانزیت سلاح، مواد مخدر، کشتار جمعی و... بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مآخذ

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جمعی از نویسندگان، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل - مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش پنجم و ششم دیماه ۱۳۸۰، روزنامه رسمی، ۱۳۸۱.
- جمعی از نویسندگان، تروریسم و حقوق بین الملل، تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۴.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران: نشتا، ۱۳۸۸.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: سازمان لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵ - ۱۳۵۲.
- کلینی، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مجلسی، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- معلوف، لوئیس، المنجد، تهران: اسماعیلیان، ۱۳۶۶.
- موسوی بجنوردی، محمد، مجموعه مقالات فقهی...، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، انتشارات عروج، ۱۳۸۷.
- میرزایی، نجف علی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، قم: دارالاعتصام، ۱۳۷۶.

